

۵۴



مقالات فارسی

مکرمه جهانی هنر ایشیو سفید

۲۸-۲۹-۳۰ فروردین ۱۳۷۲

۱

۲۵

المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى الالفية لوفاء الشيخ المفيد

٢٤.٢٥.٢٦ شوال ١٤١٣

INTERNATIONAL
CONGRESS OF THE MILLEINUM
SHEIKH -E- MOFEED(D.413 AH)

17 - 19 APRIL 1993

۷۹۶۱۴

سهم ایرانیان در تفسیر قرآن

بهاء الدّین خرّمشاهی

نام : المقالات و الرسائل = مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید (ره)

تعداد اجزاء : ۵۰

مؤلفان : گروهی از علماء و اساتید حوزه و دانشگاه

زبان : عربی و فارسی

چاپ : اول

تاریخ : ۱۴۱۳ هجری - قمری

چاپخانه : مهر - قم

تیراژ : ۱۰۰۰

ناشر : کنگره هزاره شیخ مفید (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سهم ایرانیان در تفسیر قرآن

(قرن سوّم تا هفتم هجری)

نباید گمان کرد که سهم عمده ایرانیان در تأسیس و گسترش علوم و معارف اسلامی، منحصر به حدیث و لغت و دستور زبان و تاریخ است. ایرانیان در علوم قرآنی نیز آثار فرهنگ آفرین و دوران سازی عرضه داشته‌اند و سهم آنان در این زمینه، شاید از عرصه‌ها و حوزه‌های دیگر هم فراتر باشد. به نوشته شادروان استاد شهید مرتضی مطهری، چهار نفر از قُرّاء سبعه، یعنی قرائت شناسان هفت گانه صدر اوّل، ایرانی بوده‌اند. ترجمه قرآن به فارسی در قرن چهارم هجری آغاز شده است. به عبارت دیگر، ترجمه قرآن به هیچ زبانی، قدیمتر از ترجمه آن به فارسی نیست. قرآن مترجم قدس که در سال‌های اخیر به همت دکتر محمد رواقی تصحیح و طبع شده، حتّی از ترجمه تفسیر طبری که متعلّق به میانه قرن چهارم هجری و دوره سامانیان است، کهن تر است.

بر مبنای کتابشناسی‌های قدیم و جدید و فهرس نسخه‌های خطّی کتابخانه‌های سراسر جهان و جهان اسلام، می‌توان ملاحظه کرد که شاید بیش از سه هزار تفسیر اعمّ از کامل و ناقص (یعنی بر یک یا چند سوره) بر قرآن مجید نوشته شده است و بیش از نیمی از آنها از دستبرد حوادث زمانه محفوظ مانده، ولی شاید فقط یک پنجم آنها به طبع رسیده باشد، چیزی در حدود ۶۰۰ عنوان.

اگر از قرن سوّم تا قرن هفتم، ده تفسیر بزرگ و طراز اوّل بر قرآن مجید داشته باشیم؛ از آن میان، هشت اثر تألیف مفسّران ایرانی است.

در این مقاله، هشت تفسیر مهمّ اعمّ از عربی یا فارسی، از مؤلّفان شیعه یا سُنی، که همه ایرانی هستند و در فاصله قرن سوّم تا هفتم هجری تألیف شده است عرضه می‌گردد. در طی ادوار و قرون گذشته، طبق آراء صاحب‌نظران، هریک از این تفسیرها، از وجه یا وجوهی طراز اوّل شمرده شده است و تأثیر آنها در نهضت عظیم تفسیر نویسی که همواره در فرهنگ اسلامی رونق و رواج داشته، بسیار عمیق و محاسبه‌ناپذیر است.

- (۱)- **تفسیر طبری** جامع‌ترین و قدیم‌ترین تفسیر نقلی قرآن مجید است.
- (۲)- **تفسیر تبیان**، نخستین تفسیر مهمّ شیعی به زبان عربی، تألیف شیخ طوسی است.
- (۳)- **تفسیر کشف الأسرار** نخستین و مفصّل‌ترین تفسیر عرفانی فارسی است.
- (۴)- **تفسیر کشاف** مهم‌ترین تفسیر قرآن از نظر مسائل زبانی و علوم بلاغی و اثبات اعجاز هنری-زبانی قرآن مجید و نیز مهم‌ترین تفسیر بازمانده از مکتب معتزله است.
- (۵)- **تفسیر مجمع البیان** طبرسی، علی الإطلاقی مهم‌ترین تفسیر شیعه و از شاهکارهای کم‌نظیر تفسیرنگاری اسلامی از نظر شیوه تدوین است.
- (۶)- **تفسیر ابوالفتح رازی** قدیم‌ترین تفسیر فارسی شیعی است، و همانند **کشف الأسرار** **مبیدی** از نظر نثر فارسی نیز حائز کمال اهمّیت است.
- (۷)- **تفسیر کبیر فخر رازی** موسوم به **مفاتیح الغیب**، بزرگ‌ترین تفسیر حکمی-کلامی (کلام اشعری) جهان اسلام است.
- (۸)- **وسر انجام تفسیر بیضاوی** مهم‌ترین و پرمدلول‌ترین تفسیر کم‌حجم قرآن مجید است. اینک آنچه را که به اجمال گفته شد، با تفصیل بیشتری بررسی می‌کنیم.



۱- تفسیر طبری

نام کامل آن جامع البیان عن تأویل [آی] القرآن، یکی از قدیمترین و جامعترین تفسیرهای قرآن مجید است. نظر به تأثیر و نفوذی که در تفسیرهای بعدی داشته، می‌توان آن را «أُمُّ التَّفَاسِیر» نام داد. این اثر عمدتاً بر مبنای احادیث تفسیری با ذکر سلسله کامل سند هر حدیث، تدوین شده است. مؤلف آن ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، مفسر، محدث، مورخ، قرآن‌شناس و فقیه بزرگ قرن سوم هجری، در سال ۲۲۴- و به قولی ۲۲۵- هجری قمری در آمل طبرستان به دنیا آمد و شهرت او به «طبری» از همین جاست. به نوشته یاقوت حموی در معجم الأدباء، خود او گفته است: «من قرآن را در هفت سالگی از بر کردم و در هشت سالگی با مردم در نماز جماعت حاضر شدم و در نه سالگی شروع به نوشتن حدیث کردم».

او در عنوان جوانی در طلب علم، علی‌الخصوص فراگرفتن حدیث به ری، و سپس به بغداد رفت. آرزو داشت در بغداد، نزد احمد بن حنبل درس بخواند؛ ولی وقتی که به بغداد رسید، او به تازگی درگذشته بود. نوشته‌اند که طبری در نزد یکی از محدثان زمانه معروف به ابن حمید، یکصد هزار حدیث فراگرفت. سپس به مصر و شام رفت. هدف اصلی او فراگرفتن حدیث و علم درایت و روایت حدیث بود که اُمُّ العلوم اسلامی شمرده می‌شد.

از مصر به بغداد بازگشت و در بغداد متوطن شد و فقط دو سفر از آن جا به وطن خود طبرستان رفت و باقی عمر را در بغداد گذراند و هم در آن جا درگذشت. طبری هیچ مقام دینی یا دولتی عمده‌ای نپذیرفت و عمر خود را یکسره وقف تألیف کرد. محاسبه کرده‌اند که از زمان بلوغ تا پایان عمر هشتاد و شش ساله‌اش، به طور متوسط روزی ۱۴ صفحه تألیف کرده است.

او مذهب فقهی مستقلی هم به نام طبریّه یا جریریّه (چون او به ابن جریر هم شهرت داشت) تأسیس کرده بود که در زمان حیات خود او پیروانی یافت، ولی

بعدها فراموش شد. از آثار فقهی او اثری به نام **اختلاف الفقهاء** باقی مانده و به طبع رسیده است (لیدن، ۱۹۳۳ میلادی، قاهره، ۱۳۲۰ هجری).

بعضی از آثار طبری از دست رفته، اما خوشبختانه دو اثر عظیم او، یعنی تاریخ و تفسیرش، محفوظ مانده و طبع و تصحیح‌های متعددی یافته است. تاریخ طبری یا **تاریخ الأمم والملوک**، مشتمل بر تاریخ عالم از آغاز آفرینش (البته طبق اعتقاد قُدمًا) تا حوادث سال ۳۰۲ هجری را دربر می‌گیرد. از هجرت به بعد، طبق سنوات منظم شده است. تاریخ طبری نخستین تاریخ کاملی است که به زبان عربی نوشته شده و در واقع **أُمُّ التَّوَارِیخِ** عالم اسلام است. در عصر جدید، کلیه مجلدات این اثر را شادروان ابوالقاسم پاینده به فارسی سلیسی - با حذف سلسله سندها - ترجمه کرده و بارها چاپ شده است. طبری در شوال ۳۱۰ هجری قمری در بغداد درگذشت.

چند سال پیش، در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی (برابر با ۱۴۱۰ هجری قمری) به همت مسؤولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاه مازندران، به مناسبت یک‌هزار و یکصدمین سالگرد وفات او، کنگره جهانی بزرگداشتی در ایران (رامسر) برگزار شد و در سایر کشورهای جهان اسلام نیز، در همان سال مراسمی در تجلیل از این مورخ و مفسر بزرگ ایرانی به عمل آمد. به همین مناسبت، کتابشناسی آثار طبری یا آثاری که درباره اوست، با تدوین دکتر ابوالقاسم رادفر از سوی معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی انتشار یافت (تهران، شهریور ۱۳۶۸). همچنین **کیهان اندیشه** (نشریه معارف اسلامی، جزو نشریات مؤسسه کیهان که در قم تدوین و طبع و نشر می‌گردد) ویژه‌نامه طبری را که شماره ۲۵ آن نشریه بود (مرداد و شهریور ۱۳۶۸) انتشار داد.

چنان که اشاره شد، تفسیر طبری یا **جامع البیان**، از قدیم‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهای قرآن مجید به زبان عربی است که عمده تأثیر مبنای احادیث تفسیری با ذکر سلسله کامل سند هر حدیث، تدوین شده است.

طبری ابتدا در شرح هر آیه یا یک بخش از آیه، یا چند آیه متصل و مربوط به هم، احادیثی نقل می‌کند و در بسیاری موارد، رأی و نظر خود را و این که کدام

حدیث را از میان احادیث قریب المضمون ترجیح می‌دهد، در میان می‌آورد. باید در نظر داشت که تعبیری که بارها در هر صفحه این تفسیر به کار می‌رود، یعنی «تأویل»، به معنای برداشت استعاری و رمزی و معانی باطنی و بعید و دور از ذهن نیست، بلکه درست برابر «تفسیر» و معنای ساده و صریح هرآیه است.

تفسیر طبری نخستین و جامع‌ترین مرجع در تفسیر نقلی (روائی، تفسیر به مأثور یعنی تفسیر مبتنی بر احادیث) شمرده می‌شود. در قدمت و جامعیت آن، همین بس که بسیاری از تفاسیر بزرگان صحابه و تابعین، نظیر احادیث تفسیری منقول از ابن عباس، مجاهد و دیگران، بتمامه در کتاب مفصل او جمع آمده است؛ چنان که فیروز آبادی، صاحب قاموس، کل تفسیر ابن عباس، یعنی مجموعه احادیث تفسیری را که نهایتاً به ابن عباس می‌رسد، از دل تفسیر طبری بیرون آورده و کتابی مستقل به نام **تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس** فراهم کرده است. تفسیر مجاهد را نیز با اتکاء به این اثر، همانند تفسیر ابن عباس، مستقلاً بازایی کرده و به طبع رسانده‌اند؛ همین کار را در مورد قرآن شناسان و مفسران صدر اول اسلام، نظیر ابن مسعود، سعید بن جبیر یا عکرمه می‌توان انجام داد.

بعضی از خصوصیات و امتیازات تفسیر طبری عبارت است از:

(۱)- در تفسیر هرآیه‌ای، از احادیث صحابه و تابعین نقل می‌کند و در ضمن نقل، به نقد و ترجیح اقوال می‌پردازد.

(۲)- برای اجماع، ارزش و اعتبار قائل است.

(۳)- در نقد و ترجیح و قضاوت بین وجوه قرائت نیز، دستی توانا دارد.

(۴)- نقل اسرائیلیات و نصرانیات در تفسیر او بسیار است. مراد از اسرائیلیات و نصرانیات، قصص و اخبار منقول از اهل کتاب، یعنی یهودیان و مسیحیانی که اسلام آورده بودند، نظیر وهب بن مُنبّه، عبدالله بن سلام و کعب الأحبار است که با قصص کتاب مقدس همانندی دارد یا از شروح شفاهی کتاب مقدس نشأت گرفته است.

(۵)- به تعیین جزئیات نمی‌پردازد، مثلاً این که مائده آسمانی‌ای که حواریون از عیسی علیه السلام طلب کردند و نازل شد، چه بود؟ یا «ثَمَنِ بَحْس» یا درهم

معدوده‌ای که یوسف را به آن فروختند چقدر بود؟

(۶) - عرف عادی لغت را ترجیح می‌دهد و مشهورات لغوی را اصل می‌گیرد.

(۷) - به شعر قدیم عرب استناد می‌کند تا معنای یک کلمه یا عبارت قرآنی را روشن تر سازد و در این امر پیرو ابن عباس است.

(۸) - به مسائل نحوی و زبانی و دستور زبانی نیز می‌پردازد.

(۹) - متعرض مسائل کلامی و عقیدتی هم می‌شود. مخصوصاً در برابر معتزله موضع می‌گیرد.

(۱۰) - احکام فقهی و آیات الأحکام را به تفصیل مطرح می‌کند.

تفسیر طبری در یک کلمه، نظر به دامنه اشتمال و دقت و صحت تدوین و قدمتش، مهمترین تفسیر در تاریخ فرهنگ اسلامی است و پیروان همه مذاهب اسلام، به آن ارج می‌نهند و هیچ مفسری نیست که این تفسیر را به عنوان پشتوانه اصلی کار خود نگرفته باشد.

در عالم تشیع نیز، این تفسیر، مرجعی محبوب و معتنا به است. شیخ طوسی تبیان را بر اساس آن تألیف کرده است و اغلب شواهد شعری‌اش را از آن گرفته است. همچنین شیخ طبرسی به آن اعتناء و اعتماد بسیار داشته و حتی نام تفسیر خود مجمع البیان را با نظر به جامع البیان - که نام تفسیر طبری است - ساخته است. مشهور است که تفسیر طبری در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی، در نیمه قرن چهارم هجری به فارسی ترجمه شده است و در عصر جدید، این ترجمه به کوشش شادروان حبیب یغمائی به طبع رسیده است. استاد عباس زریاب خوئی در مقاله‌ای که در مجله سخن (سال یازدهم، صفحه ۱۲۰۹) نوشته‌اند، با شواهد و دلایل کافی نشان داده‌اند که این اثر فارسی، نه ترجمه و نه تلخیص تفسیر طبری است، بلکه حداکثر این است که تفسیر طبری جزو یکی از چند و چندین مأخذ علمای ماوراء النهر و گروه مترجمان این اثر بوده است.

نگارنده این سطور نیز، طبق تحقیق خود و مقابله مفصل این دو اثر با یکدیگر، به این نتیجه رسیده است که رأی استاد زریاب درست است، و مأخذ اغلب قصص و روایاتی که در این ترجمه آمده، نه تفسیر طبری، بلکه تاریخ طبری

است. یعنی مترجمان این اثر، قصص انبیا و سایر قصص و روایات تاریخی ذی ربط را از تاریخ الأمم والملوک ترجمه کرده و در تفسیر آورده‌اند؛ و سایر مواد تفسیری را از منابع مختلف و متعدّد، که تفسیر طبری فقط یکی از آنها بوده، نقل و ترجمه کرده‌اند.

مؤید این امر آن است که در تفسیر ۳۰ جلدی طبری آنچه هست، فقط هزاران حدیث است که غالباً کوتاه و همواره جسته جسته و منفصل از همدیگر آمده‌اند، و به ندرت روایت یکپارچه و بلندی در میان آن هست؛ لذا مترجمان ناگزیر بوده‌اند این روایات و قصص بلند و منسجم را از منبع دیگری بگیرند، و برای این کار، تاریخ طبری منبع اصلی آنها بوده است.

تفسیر طبری بارها به طبع رسیده است. نخستین طبع آن از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۰ هجری قمری در مطبعه معروف بولاق در مصر، در ۳۰ جزء بوده است. چاپ مصحّح و منقّحی از تفسیر طبری با تحقیق و حواشی محمود محمد شاکر و بازنگری و بازشناسی احادیث آن به کوشش احمد محمد شاکر در قاهره از سوی دارالمعارف از سال ۱۳۷۴ ق انتشار یافت. از این تصحیح و طبع ۱۵ مجلد، یعنی در حدود نیمی از کلّ تفسیر منتشر شده و انتشار بقیه مجلدات آن به دلایل نامعلومی متوقّف مانده است. این دو چاپ بارها در مصر و لبنان به شیوه افست تجدید طبع یافته است.



۲- تفسیر تبیان

تفسیر تبیان یکی از تفاسیر عمده قرآن و یکی از سه - چهار تفسیر مهم و قدیم شیعه به شمار می‌آید و مؤلف آن، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی است. شیخ طوسی که بعدها به «شیخ الطائفه» ملقب شد، در رمضان ۳۸۵ هجری در طوس خراسان به دنیا آمد. در سال ۴۰۸ هجری در سن بیست و سه سالگی به بغداد

کوچید و در آن جا به حلقه درس محمد بن نعمان معروف به **شیخ مفید**، پیشوای علمای شیعه در جهان آن روز، پیوست و همدم و ملازم او شد. پس از درگذشت شیخ مفید به سال ۴۱۳ هجری، به محضر سید مرتضی معروف به **عَلَمُ الْهُدَى** راه یافت. سید مرتضی به او عنایت خاصی داشت و در پرورش استعداد درخشان او کوشا بود. شیخ طوسی بیست و سه سال در خدمت سید مرتضی گذراند و پس از درگذشت او در سال ۴۳۶ هجری، شیخ طوسی خود مرجعیت تامه یافت و پیشوای علمای شیعه اثنی عشریه شد.

خانه وی در محله کرخ بغداد انجمن دوستداران دین و دانش و ارباب فضل و کمال بود، تا آن جا که آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «تعداد شاگردان مجتهد شیعی او به سیصد تن رسید و تعداد شاگردان سنی مذهبش افزون از شمار شد». خلیفه وقت، القائم بأمر الله کرسی علم کلام را به او واگذار کرد.

در عهد طغرل سرسلسله سلجوقیان، فتنه عظیمی درگرفت و نزاع خانمانسوزی بین شیعیان و سنیان بغداد پدید آمد که کتابخانه بی نظیر شیخ را که بیش از ده هزار نسخه نفیس و نایاب در آن بود و کرسی و درسگاه او را طعمه حریق ویرانی ساخت. شیخ طوسی چون به واقع جان خود را در خطر دید، به نجف اشرف هجرت کرد و حوزه علمی خود را در جوار مرقد مولای متقیان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ تأسیس کرد؛ و همین کانون کوچک، سرآغاز تأسیس حوزه علمیه نجف شد که هزار سال است به صورت مهمترین حوزه علمی شیعه امامیه برپاست.

شیخ طوسی آثار و تألیفات بسیاری دارد که از زمان تألیف همچنان مدار بحث و تحقیق در حوزه های علمی شیعه است. دو اثر او، یعنی **تهذیب و استبصار** دو اثر از چهار مجموعه معتبر و رسمی حدیث شیعه است (آن دوی دیگر، یکی **اصول کافی** تدوین کلینی و دیگری **مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه** اثر ابن بابویه معروف به شیخ صدوق است). **نهایه و مبسوط** شیخ نیز از مراجع عمده فقه شیعه است. کتاب **خلاف** او یکی از نخستین و مهمترین آثار در زمینه فقه مقارن و تطبیقی است. **فهرست** او از آثار معتبر و کهن رجال شناسی و **تمهید الأصول و تلخیص الشافی** او، جزو نخستین آثار مبسوط کلامی امامیه است.

شیخ طوسی در سال ۴۶۰ هجری درگذشت و در خانه‌اش مدفون شد. مدفن او امروزه آستانه و زیارتگاه معروفی در نجف اشرف در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام است. در سال ۱۳۴۴ شمسی، دانشگاه مشهد هزاره سالگرد تولّد او را جشن گرفت و مقالات چند زبانه این کنگره جهانی، به کوشش آقای واعظ زاده، تحت عنوان **یادنامه شیخ طوسی** در سه مجلد تدوین شده و از سوی همان دانشگاه انتشار یافته است.

شیخ طبرسی که به اتفاق آراء اهل نظر، بزرگترین مفسّر شیعه به شمار می‌آید، در مقدمه تفسیرش **مجمع البیان** اشاره دارد که در تألیف خویش به تبیان شیخ طوسی نظر داشته و در عین انتقاد از نحوه تنظیم و تدوین آن، در باره آن می‌نویسد: «این کتابی است که نور حق و برق صداقت از آن ساطع است و اسرار بدیع و الفاظ وسیعی را دربر دارد که شیخ در تدوین و تنسیق آنها از هیچ گونه تنبیه و تحقیقی فروگذار نکرده است. این کتاب راهنما و راه‌گشائی است که از آن استفاده و پیروی می‌کنم». اختصاصات عمده تفسیر تبیان از این قرار است:

(۱)- در نقل شواهد شعری، بر خلاف طبری، انتقادی عمل می‌کند، و هر شعری را به صرف این که سروده شاعری از عصر جاهلیت است، قابل استناد نمی‌داند و اصولاً به شعرای صدر اوّل اسلام و قرون بعدی بیشتر اعتناء دارد.

(۲)- در نقل احادیث نیز محتاط‌تر از طبری است و نقل بدون نقد کمتر دارد و منقولات همه مفسّران صحابه یا صحابه و تابعینی را که احادیث تفسیری دارند، به دیده صحت و اعتبار نمی‌نگرد و اقوال کسانی چون ابوصالح و سُدی و کلبی و ابن‌کیسان و ابن‌اسحاق را نمی‌پذیرد و حتّی در قبول بعضی از احادیث ابن‌عبّاس تردید دارد؛ و به جای احادیث بسیاری از صحابه، احادیث مروی از ائمه اطهار علیهم السّلام را مناط اعتبار و عمل می‌داند.

(۳)- تفسیر او بیش از تفسیر طبری جنبه عقلی دارد. چنان که به ابوعلی جبّائی که در تفسیر آیه بیست و دوم از سوره بقره ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾ می‌گوید زمین گسترده و صاف و غیرکروی است، ایراد می‌گیرد و با قاطعیّت سخن از کرویّت زمین می‌گوید (البته گفتنی است که حکمای یونان باستان از جمله

فیثاغورس، به کرویت زمین پی برده بودند، ولی اثبات علمی آن در قرون بعد انجام گرفت).

(۴)- به بحث‌های لغوی و نحوی اهمیت می‌دهد و اقوال نحویان بزرگی چون سیبویه، خلیل، ابو عمرو کسائی، قُطْرُب، فَرّاء، اصمعی، ثعلب، مُبَرِّد، زَجَّاج و ابوعلی فارسی را نقّادانه نقل می‌کند.

(۵)- به اختلاف قراآت و نقد قراآت نیز اهمیت می‌دهد و غالباً آراء عاصم، کسائی، خلف، حمزه، اعمش، نافع و حفص را نقّادانه نقل و در باره آنها داوری می‌کند.

(۶)- در این تفسیر بحث‌های کلامی و ردّ بر مخالفان از جمله وعیدیّه، تناسخیّه، حشویه، خوارج، مشبّهه، مُرجئه، معتزله و غُلاة بسیار است.

تبیان تاکنون دو بار به طبع رسیده است. بار اوّل در تهران در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵ هجری قمری در دو جلد به تصحیح سیّد محمّد حجّت کوه‌کمری و بار دوّم در نجف در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ هجری قمری به اهتمام احمد شوقی امین، احمد حبیب قصیر العاملی در ده جلد؛ که همین طبع با مقدّمه مفصل آقا بزرگ تهرانی، صاحب الذریعه، در بیروت توسط دار احیاء التراث العربی تجدید چاپ شده است. مؤسسه آل البیت در قم، طبع و تصحیح جدیدی از این تفسیر گرانقدر را در دست انتشار دارد.



۳- تفسیر کشف الأسرار

تفسیر **کشف الأسرار** عظیم‌ترین و قدیم‌ترین تفسیر عرفانی فارسی است. هم از نظر تفسیری، هم از نظر عرفانی، هم از نظر نثر فارسی (متعلّق به اوایل قرن ششم هجری) مقام شایان و شامخی دارد. این تفسیر به تفسیر خواجه عبدالله انصاری

معروف است، ولی تفسیر خواجه عبدالله، اثری موجز و کوتاه و کوچک بوده و ابوالفضل رشید الدین میبیدی با بسط و گسترش بسیاری بر مبنای آن اثر و الهام و اقتباس آن، این تفسیر گرانسنگ ده جلدی را فراهم آورده است. بازایی و تصحیح و طبع این اثر از دستاوردهای عصر جدید است، و در آثار قدما چندان نام و نشانه‌ای از این تفسیر نیست.

از شرح حال میبیدی اطلاعی نداریم جز آنچه خود در مقدمه بسیار کوتاه و در واقع یک صفحه‌ای خودش به عربی و فارسی، در آغاز **کشف الأسرار** به میان آورده است. او بعد از حمد و ثنای خداوند می‌گوید: «اما بعد، این بنده کتاب شیخ الاسلام فرید عصر و وحید دهرابی اسماعیل عبدالله بن محمد بن علی الانصاری - قدس الله روحه - را در تفسیر قرآن و کشف معانی آن مطالعه کردم، چنین یافتم که از نظر لفظ و معنی و تحقیق و ترصیع (آرایش سخن) به حدّ اعجاز رسیده است، جز این که در غایت اختصار و ایجاز است و دردی از نیازهای آموزندگان مبتدی را دوا و بلکه کام دانش آموختگان منتهی را روا نمی‌کند. پس بر آن شدم که دامنه سخن را بگستریم و عنان قلم را آزادتر بگذارم و به ملاحظه رفاه حال کسانی که به این گونه آثار علاقه دارند، بین حقایق تفسیر و لطایف و عظم و اندرز را پیوند زدم و عزم خود را به عون الهی جزم کردم و در اوایل سال پانصد و بیست هجری این کار را آغاز کردم و کتاب را **کشف الأسرار و عُدّة الأبرار** نام نهادم. امیدوارم اسمش با مُسمّی موافق و لفظش با معنا مطابق افتد. از خداوند توفیق اتمام آن و نیل به این هدف را مسألت دارم. هو حَسْبِي ونعم الوكيل».

سپس می‌گوید که تفسیر را به سه نوبت یا مجلس تقسیم کرده است. مجلس یا نوبت اول، ترجمه فارسی و معنای صریح و بدون پیرایه آیات؛ نوبت دوم تفسیر به معنای متعارف شامل بحث در وجوه معانی، قرائت مشهوره، سبب نزول، بیان احکام، ذکر اخبار و آثار و نوادری که تعلق به آیات دارد و وجوه و نظایر و شبیه آنها؛ و نوبت یا مجلس سوم رموز عارفان و اشارات صوفیان است. در این بخش از تفسیر به تأویل می‌پردازد و سراسر آن آکنده از اذواق و مواجید عرفانی و سخنان بزرگان طریقت و شعر و ترانه فارسی است و به نثر شعرگونه مسجع نوشته شده است. در

این بخش، بیشتر از بخش‌های دیگر سخنان خواجه عبدالله انصاری را نقل کرده است؛ و از آن جا که اصل تفسیر خواجه عبدالله باقی نمانده است، ارزش این مقولات، بسی والا است.

افتخار کشف و تصحیح و طبع **کشف الأسرار** از آن شادروان دکتر علی اصغر حکمت است که در سال ۱۳۲۵ شمسی ضمن تدریس و تحقیق تاریخ تفسیر برای دانشجویان دانشکده ادبیات در کتابشناسی استوری به نام این اثر برمی‌خورد، و در سال‌های بعد نسخه‌های ناقصی از آن در افغانستان و کتابخانه آستان قدس می‌بیند و سرانجام به پایمردی شادروان مینوی به نسخه عکسی کاملی از آن که اصلش در کتابخانه «بنی جامع» ترکیه محفوظ بوده دست می‌یابد و با همکاری عده‌ای از فضلا و استادان دانشکده ادبیات و الهیات دانشگاه تهران، مجلدات ده‌گانه آن را تصحیح و در فاصله سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ شمسی جزو سلسله انتشارات دانشگاه تهران، به طبع و نشر می‌رساند.

از محققان معاصر، دکتر محمد مهدی رکنی تحقیق ارزشمندی در باره **کشف الأسرار** را که زبده‌ای از تفسیر را نیز دربر دارد، تحت عنوان **لطایفی از قرآن کریم** تألیف و منتشر کرده است (چاپ مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵). ایشان سال‌ها پیش نیز مقاله مبسوطی تحت عنوان «جلوه‌های تشیع در تفسیر کشف الأسرار» در **یادنامه علامه امینی** انتشار داد. این مقاله اعتنا و احترام میبیدی را به مناقب ائمه اطهار علیهم السلام و نقل روایاتی از ایشان نشان می‌دهد.



۴- تفسیر کشاف

تفسیر **کشاف** تألیف ابوالقاسم محمود زمخشری است. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری معروف به جار الله، یکی از بزرگ‌ترین علمای لغت و دستورزبان عربی و علوم بلاغی و یکی از مفسران طراز اول قرآن است. وی در رجب سال ۴۶۷ هجری در قریه زَمَخْشَر از نواحی خوارزم به دنیا آمد. در طلب علم به بخارا و بغداد رفت. سفرش به بغداد در طی سفر او به حج بود. در بغداد به نزد ابوالسعادات هبة الله بن الشجری - از ائمه لغت و ادب، صاحب **أمالی** معروف، و نقیب طالبیان در کرخ - رسید و از او احترام شایسته‌ای دید. سپس چون به مکه رسید قصد مجاورت بیت الله کرد و در جوار خانه خدا مقیم شد و لقب او «جار الله» یعنی «همسایه و مجاور بیت الله» از همین جاست. در مدت مجاورتش در مکه از حمایت و تشویق و احتمالاً صلوات و کمک‌های مالی ابن وهّاس که از امرا و در عین حال از علمای حجاز بود برخوردار گردید. تفسیر **کشاف** را در همین ایام اقامت در مکه نوشت. به گفته خودش این کار علی الظاهر طرحی سی ساله می‌نمود که به عنایت الهی «در مدتی برابر خلافت ابوبکر» - یعنی دو سال و چند ماه - در مدرسه علامه که درست روی کعبه بوده، به پایان رسید.

آثار او در حدیث و لغت و صرف و نحو بسیار است از جمله **النموذج** یا **أتمودج**، **المفصل**، **اطواق الذهب** در مواعظ، **الفائق** در غریب الحدیث، **نکت الإعراب** در اعراب قرآن، **أساس البلاغة** در لغت، **مقدمة الأدب** در لغت، **المستقصى** در امثال، **ربیع الأبرار** در اخبار و نوادر و نکات ظریف، و از همه مهمتر **کشاف** در تفسیر قرآن.

زمخشری در فقه پیرو مذهب حنفی و در اصول عقاید و کلام، چنان که معروف است، معتزلی مذهب بود. او در سال ۵۳۸ هجری در جرجانیّه درگذشت. ابن بطوطه، سیاح معروف عرب، که سفرنامه‌اش به فارسی هم ترجمه شده است، قبر او را در آن جا زیارت کرده است.

نام کامل تفسیر **کشاف**، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل** است. زمخشری با صراحت تمام، عقاید اعتزالی خود را در نگارش این تفسیر به خرج داده، به طوری که تفسیر **کشاف** جامع ترین و عالی ترین تفسیر موجود قرآن بر مبنای عقاید معتزله است. جلالت قدر این تفسیر تا به حدی است که با وجود آن که اهل سنت که غالباً اشعری مذهب اند و اندیشه های اعتزالی را به دیده عیب و انکار می نگرند، و بارها شروح و ردیه های مختلفی بر آن نوشته و عقاید اعتزالی صریح آن را رد و طرد کرده اند، ولی از زمان تألیف به بعد، هم در مجامع علمی و تفسیرنگاری اهل سنت، و هم مجامع شیعه از قبول عام و استقبال شایانی برخوردار بوده است.

معروف است که شیخ طبرسی که خود بزرگترین مفسر قدیم شیعه به شمار می آید و تفسیر **مجمع البیان** او با یک دو دهه اختلاف زمانی، همعصر با **کشاف** زمخشری تألیف شده است، پس از به پایان رساندن **مجمع البیان**، چون **کشاف** را ملاحظه کرد، آن را بسیار پسندید و بر مبنای آن و با اقتباس و التقاط از آن، دو تفسیر متوسط و کوچک، به نام های **جوامع الجامع** و **الکاف الشاف** نوشت. یا بیضاوی که تفسیر **أنوار التنزیل** همانند **مجمع و کشاف**، از تفاسیر طراز اول قرآن مجید به شمار می آید، آن تفسیر را وسیعاً بر مبنای تفسیر **کشاف** استوار ساخته و نقاوه و عصاره ظرایف آن را نقل و اقتباس کرده است.

زمخشری از ائمه لغت و ادب و علوم زبانی و زبانشناسی، و از قائلان به اعجاز زبانی و هنری قرآن کریم است و در تفسیرش بیش از هر تفسیر دیگری، به نکات زبانی و ظرایف و غوامض نحوی و «معانی - بیانی» و بدیعی و بلاغی قرآن مجید پرداخته است. در مقدمه تفسیرش می گوید: «بزرگترین فقها و قصه شناسان و واعظان و نحویان و لغویان نمی توانند به باریکناها و ظرایف قرآن پی ببرند، مگر آن که در دو علم مختص به قرآن، یعنی «علم معانی» و «علم بیان» دست داشته باشند». ابن خلدون تفسیر **کشاف** را مهمترین تفسیری می داند که بر پایه علوم زبانی و بلاغی نوشته شده است و در عین آن که از آن تفسیر به خاطر اشتغال بر عقاید و آراء معتزله انتقاد می کند، می نویسد: «ولی با همه اینها، محققان مزبور به رسوخ قدم وی

در مسائلی که به زبان و بلاغت متعلق است اعتراف دارند و هرگاه کسی که آن را می‌خواند کاملاً به مذاهب سنت آگاه باشد و راه استدلال را نیک بداند، آن وقت از بدفرجامی‌های آن مصون خواهد بود. پس باید مطالعه آن را غنیمت شمرد، چه کتاب مزبور در انواع فنون زبان دارای شگفتی‌هایی است» (ترجمه مقدمه ابن خلدون، جلد اول، صفحه ۸۹۳).

ابن خلدون در جای دیگر از مقدمه معروفش نیز به زمخشری و کشاف اشاره دارد و از جمله می‌نویسد: «... و آنان که بیش از هرکس به این فن (فن بیان) نیازمندند، مفسران می‌باشند؛ و بیشتر تفاسیر متقدمان از این فن عاری است و مؤلفان آنها در این باره غفلت ورزیده‌اند. تا آن‌که جارالله زمخشری پدید آمد و کتاب خود را در تفسیر وضع کرد و آیات قرآن را بر وفق احکام این فن مورد تتبع قرار داد، بدان سان که برخی از قسمت‌های اعجاز آن آشکار شد، و از این رو اگر وی عقاید بدعت‌گذاران را هنگام اقتباس آنها از قرآن به وجوه بلاغت تأیید نمی‌کرد، تفسیر وی در میان تفاسیر به سبب این مزیت، منحصر به فرد می‌شد» (ترجمه مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، صفحه ۱۱۷۳).

نظر به آن‌که کلام شیعه و معتزله در امتهات مسائل از جمله حدوث یا خلق قرآن و اختیار انسان و عدل و صفات الهی همانندی دارد، لذا آنچه از تفسیر کشاف که در نظر اهل سنت عیب آن شمرده می‌شود، از نظر شیعه یا عیب نیست، یا بلکه امتیاز آن است؛ لذا محققان و علمای شیعه، برای تفسیر کشاف، به طور طبیعی، بیش از محققان و علمای اهل سنت ارج و احترام قائلند.

کشاف بارها به انواع و اقسام، با شروح و حواشی، حتی همراه با ردیه‌ها به طبع رسیده است. نخستین چاپ آن در دو جلد در سال ۱۸۵۶ میلادی در کلکته انجام گرفته است. سپس در سال ۱۲۹۱ هجری در بولاق مصر، در سال ۱۳۰۷، ۱۳۰۸ و ۱۳۱۸ هجری در قاهره چاپ شده است. بروکلمان بیش از یازده شرح و حاشیه بر آن یاد می‌کند که بهتر از همه، شرح میر سید شریف جرجانی است که با بعضی از چاپ‌های آن، از جمله با طبع قاهره به سال ۱۳۰۸ و ۱۳۱۸ هجری و چاپ انتشارات آفتاب در تهران، همراه است.

در ایران در سال‌های اخیر، علاوه بر انتشارات آفتاب که یکی از بهترین چاپ‌های این تفسیر را انتشار داده، «نشر ادب حوزه» هم یکی از چاپ‌های خوب **کشاف** را همراه با چند حاشیه و استخراج احادیث آن، از روی طبع مصر به طریقه افسست تجدید طبع کرده است.



۵- تفسیر مجمع البیان

مجمع البیان تألیف فضل بن حسن طبرسی است. ابوعلی امین الاسلام یا امین الدین فضل بن حسن طبرسی از اعلام تشیع و از معاصران زمخشری صاحب **کشاف**، و میبدی صاحب تفسیر **کشف الأسرار** است. او طبق تحقیق عمیقی که استاد دکتر حسین کریمان در کتاب دو جلدی **طبرسی و مجمع البیان** (چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، تجدید چاپ شده در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی) انجام داده‌اند اهل تفرش است که امروزه از نواحی اراک است و در قدیم جزو نواحی قم به شمار می‌آمده است. لذا نام او را باید طبرسی بر وزن و معنای تفرشی باید تلفظ کرد. نام او یعنی طبرسی، چنان که قرن‌ها به غلط مشهور بود، منسوب به طبرستان نیست، زیرا منسوب به طبرستان را طبری گویند. چنان که محمد بن جریر طبری بزرگترین مفسر و مورخ عالم اسلام نامش منسوب به طبرستان است. در **تاریخ بیهق** که پانزده سال پس از فوت طبرسی تألیف یافته و قدیمترین و نخستین اشاره به احوال امین الاسلام در آن آمده است، در باره شهرت و نسبت او چنین نوشته شده است: «طبرس منزلی است بین قاشان (کاشان) و اصفهان و اصل ایشان از آن بقعت بوده است» (**تاریخ بیهق**، تصحیح مرحوم بهمنیار، صفحه ۲۴۲).

سال ولادت او به تحقیق دکتر کریمان ۴۶۹ یا ۴۶۸ هجری قمری است. منشأ و اصل او از تفرش است، ولی زادگاه او به احتمال بسیار در مشهد بوده است. او

پنجاه سال از عمرش را در مشهد و سبزوار زیسته است.

او در سال ۵۴۸ هجری در سبزوار درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد مقدس انتقال دادند و در فاصله دویست و پنجاه متری شمال شرقی حرم حضرت ثامن الائمه علیه السلام مدفون و آرامگاه او مشهور و از زیارتگاه‌های اهل علم است. خیابانی که جنب آرامگاه او احداث شده به طبرسی معروف است.

عبدالجلیل قزوینی در کتاب **النقض** - که در حدود سال ۵۵۶ یعنی ده - پانزده سال پس از تألیف **مجمع البیان** نوشته شده است - در اشاره به او و مفسران بزرگ شیعه می‌نویسد: «و اگر شیعه امامیه خواهند که از مفسران خود لافی زنند از جماعتی نامعتبر و نامعروف نزنند که خواجه آورده است، از تفسیر محمد باقر لاف زنند و از قول جعفر صادق و از تفسیر حسن عسکری، و بعد از آن از تفسیر شیخ کبیر بو جعفر طوسی، و تفسیر محمد فتال، و تفسیر **خواجه بوعلی طبرسی** و تفسیر شیخ جمال الدین ابوالفتوح رازی، رحمة الله علیهم، و غیرهم، که همه خبیر و عالم بوده‌اند. اولیان همه معصوم، و آخریان همه عالم و امین و معتمد».

شیخ طبرسی شاگرد فرزند شیخ طوسی، یعنی ابوعلی حسن بن محمد بوده است. ابن شهر آشوب صاحب **معالم العلماء** و قطب الدین راوندی از شاگردان مشهور طبرسی هستند.

طبرسی در علوم زبانی، علی الخصوص نحو، استادی بی نظیر بوده است و از این نظر با زمخشری قابل مقایسه است. بعضی از آثار او عبارتند از: **إعلام التورى بأعلام الهدى**. همچنین صاحب سه تفسیر است. تفسیر کبیر او **مجمع البیان**، و تفسیر وسط او **جوامع الجامع** و تفسیر وجیز او **الکافی الشافی** است. دو تفسیر اخیر را بر مبنای تفسیر زمخشری و با اقتباس از آن نوشته است؛ ولی به هنگام نگارش تفسیر **مجمع**، نظر به هم‌عصری با صاحب کشف و این که هنوز نسخه‌های تفسیر **کشف** چندان که باید و شاید تکثیر نشده و هنوز در محافل علمی شهرت نیافته بوده است، از تفسیر **کشف** با اطلاع نبوده و طبعاً از آن استفاده نکرده است.

مجمع البیان در ده مجلد است و حجم آن تقریباً کمی بیش از **تبیان** و در حدود سه چهارم تفسیر طبری، و دو برابر **کشف** زمخشری است. نظم و شیوه

تدوین و تبویب این تفسیر در میان همه تفاسیر قرآن، اعم از تفسیرهای اهل تشیع و اهل تسنن و عربی یا فارسی بی سابقه و بی نظیر است. شیخ طبرسی در مقدمه اش تفسیر **تبیان** را به حق می ستاید و وجوه اهمیت و امتیاز آن را بازمی گوید و تصریح دارد که تفسیر **تبیان** اثری است که من از پرتو انوار آن سود جسته و در تألیف تفسیر خود، آن را مقتدا قرار داده ام؛ ولی سپس با کمال ادب از این که نظم تفسیر **تبیان** پریشان است و غث و سمین دارد انتقاد می کند. درواقع شاید تأسف از بی نظمی و روشن نبودن ابواب و مباحث و نداشتن عناوین اصلی و فرعی در تفسیر **تبیان** است که شیخ طبرسی را به تأمل و اندیشه فرامی دارد و سرانجام این نظم و فصل بندی بی سابقه را برای کتاب خود برمی گزیند.

روش او در **مجمع البیان** این است که ابتدا گروهی از آیات هر سوره را نقل می کند، سپس تحت چند سرعنوان از نظرگاه های علوم و معارف مختلف آن گروه آیات را بررسی و حلاجی می کند. ابتدا از نظر قرائت و اختلاف قرائت و قضاوت در بین قرائت های مختلف (تحت عنوان «حُجَّة»)، سپس از نظر لغت و مشکلات لغوی، سپس از نظر اعراب، سپس از نظر اسباب التزول، سپس معنای مبسوط و منقح آن گروه آیات را به دست می دهد، و سرانجام تحت عنوان «نظم»، ربط و پیوند معنایی آیات را به همدیگر، و نیز ربط هرگروه از آیات را به گروه قبلی و بعدی و نیز ربط سوره ها را به یکدیگر بازمی نمایاند. این شیوه و این سبک شیوا و فصل بندی شده، به مراجعه کننده امکان می دهد که مشکل خود را که طبعاً در ذیل یکی از این ابواب و فصل های فرعی می گنجد به سرعت باز یابد و مانند سایر تفسیرها ناچار نباشد که گم شده خود را در لابلای صفحات بسیاری جست و جو کند.

تفسیر **مجمع البیان** با آن که از آغاز عصر تألیف، در میان شیعیان با قبول عام و شایسته ای مواجه شده؛ در محافل علمی اهل تسنن، چنان که سزاوار مقام و طراز علمی عالی آن است، نفوذی پیدا نکرده بوده است. شاید فقط فخر رازی، از میان مفسران بزرگ، به آن نظر داشته است. تا در قرن اخیر که بر اثر گسترش نهضت های اصلاحی و احتمالاً انعکاس انقلاب مشروطیت که پرچمدار آن علمای شیعه بودند،

توجه جهانیان و علمای مسلمان سایر بلاد اسلامی به ایران و فرهنگ شیعه جلب شد و به دنبال آن با افزایش تفاهم و تقریب بین علمای شیعه و اهل سنت، می توان گفت علمای اهل سنت مخصوصاً رؤسا و استادان دانشگاه الأزهر این تفسیر را کشف کردند و پس از گذشت نهصد سال این تفسیر گرانقدر، چنان که سزاوار است، در فراسوی محافل شیعه، در سراسر جهان اسلام به اصطلاح قدر دید و به صدر نشست.

و شاید بعضی از دلایل اقبال اهل سنت به این تفسیر این است که غلو و تعصب غیر علمی در آن نیست و از احادیث اهل سنت بسیار نقل کرده است. به واقع، لحن و بیان و ادب و متانت **مجمع البیان** هم در میان تفسیرهای قرآن مجید، که طبعاً جایگاه برخورد عقاید و معتقدات فرقه ها و مذاهب اسلامی است، ممتاز است.

عبدالمجید سلیم رئیس پیشین جامع الازهر، در نامه ای که به جمعیت دارالتقریب بین المذاهب الإسلامیة نوشته، این تفسیر را «جلیل الشأن (گرانقدر)، غزیز العلم (سرشار از نکات علمی)، کثیر الفائده (فایده رسان)، حسن الترتیب (خوش تدوین)» می نامد و می گوید: «اگر آن را مقدم بر کتب تفسیر قدما بشمارم، سختم را حمل بر مبالغه نکنید؟ و در جای دیگر از همان نامه، آن را «حلالی معضلات» و «کشاف مبهمات» قرآن می نامد. شیخ محمود شلتوت، رئیس بعدی جامع الازهر، شرح عالمانه و خاضعانه ای در معرفی و ارزیابی آن نوشته و ترتیب و تبویب و تنسیق و تهذیب آن را در میان کتب تفسیر، بی سابقه و بی لاحق می خواند و بر آن است که این تفسیر برای شرح مشکلات واقعی قرآن است، نه بحث های لغوی بی پایان و گزارش خدمات ادبا و بلغا و فقها و نحویان به قرآن؛ و در آن از فلسفه یونانی و داستانسرایی، نشانه ای و اثری نیست و حتی جانبداری شیعی نیز در آن از حد و اندازه خارج نشده است.

این تفسیر بارها در ایران و مصر و لبنان به طبع رسیده است. طبع اول آن در سال های ۱۲۶۲ تا ۱۲۶۸ هجری با چاپ سنگی در دو مجلد در ایران انتشار یافته است و بارها به همان شیوه در تهران و تبریز تجدید طبع یافته است. همچنین در

سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۵ هجری در صیدا به طبع رسیده است. در سال‌های اخیر چاپ‌های مصحح و مضبوطی از آن در مصر و لبنان و ایران انتشار یافته است. یکی از بهترین چاپ‌های آن با تصحیح و تعلیقات حاج سید هاشم رسولی محلاتی انجام گرفته و در سال ۱۳۷۹ هجری قمری برابر با ۱۳۳۹ هجری شمسی منتشر شده و سپس بارها از سوی انتشارات دار احیاء التراث العربی تجدید چاپ شده است. گفتنی است که تفسیر **مجمع البیان** دو دهه پیش، به کوشش عده‌ای از فضلاء از جمله آقایان احمد بهشتی و محمد مفتّح به فارسی ترجمه شده و منتشر گردیده است.



۶- تفسیر ابوالفتوح رازی

تفسیر ابوالفتوح رازی، موسوم به **روض الجنان و روح الجنان**، تألیف شیخ ابوالفتوح رازی است. نام کامل مؤلف: جمال الدّین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری است. نسب او چنان که در تفسیر به آن تصریح کرده است به نافع بن بدیل بن ورقاء می‌رسد. نافع و بدیل، هردو از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند. سال تولّد و وفات او به دقّت دانسته نیست. ولی از کتب تراجم احوال نظیر **معالم العلماء و فهرست منتجب الدّین** و منابع دیگر برمی‌آید که در حدود سال ۴۷۰ هجری متولّد شده و در حدود سال ۵۵۴ هجری درگذشته است.

یکی از استادان او ابوعلی حسن بن محمد طوسی، فرزند شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی صاحب تفسیر **تبیان** است. از حوادث و سوانح زندگانی او اطلاع چندانی در دست نیست. طبق وصیّتش در شهر ری در جوار شرقی امامزاده عبدالعظیم، جنب مقبره حمزه بن موسی در زاویه شمالی، مدفون و مدفن او

معروف است.

تفسیر **روض الجنان** معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی، قدیمترین تفسیر فارسی شیعه است. با این توضیح که فی المثل تفسیر **تبیان** اثر شیخ طوسی هم شیعی است و از این تفسیر قدیمی تر است، ولی فارسی نیست؛ یا تفسیر **کشف الأسرار** اثر میبدی، فارسی است و از این تفسیر قدیمی تر است، ولی شیعی نیست. مؤلف در مقدمه خود بر تفسیر می نویسد: «پس چون جماعتی از دوستان و بزرگان از امثال و اهل علم و تدبیر اقتراح کردند که در این باب جمعی باید کردن، چه اصحاب ما را تفسیری نیست، مشتمل بر این انواع؛ واجب دیدم اجابت کردن ایشان، و وعده دادن به دو تفسیر، یکی به پارسی و یکی به تازی، جز که پارسی مقدم شد بر تازی، برای آن که طالبان این بیشتر بودند، و فایده هرکسی بدو عامتر بود، و این کتاب إن شاء الله از میانه اطناب و اختصار بود. اطنابی که مُعِلّ نباشد و اختصاری که مُخِل نباشد». بعضی از اختصاصات این تفسیر عبارتند از:

(۱)- شواهد شعری اعم از فارسی و عربی در آن بسیار است. همچنین امثال و کلمات سائره عربی. شادروان آیه الله شعرانی که یکی از طبع های این تفسیر را تصحیح و منتشر کرده است، بر آن است که شواهد شعری این تفسیر از تفسیر طبری و **کشاف** زمخشری هم بیشتر است.

(۲)- جنبه کلامی این تفسیر، معتدل و متوسط است، شبیه به تفسیر طبری؛ و به اندازه **تبیان** و **مجمع البیان** یا **کشاف** یا **تفسیر کبیر** فخر رازی بحث های کلامی ندارد.

(۳)- احادیث منقول در این تفسیر، عمدتاً احادیث و اخباری است که از ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است. ابوالفتوح به احادیث اهل سنت هم در درجه بعد از احادیث شیعه اعتنا دارد و از مفسران صحابه و تابعین، اقوال ابن عباس، قتاده، سدی و مجاهد را نقل می کند.

(۴)- در زمینه قصص انبیاء، بدون نقادی از کتاب **عرائس** ثعلبی که پر از اسرائیلیات و گراف گوئی است نقل می کند.

(۵)- در اخلاق و زهد و آداب از اقوال مشایخ صوفیه و عرفا بسیار می آورد.

یکی از استادان سابق دانشگاه تهران به نام دکتر عسکر حقوقی، کتابی در سه جلد در معرفی تفسیر ابوالفتوح به نام **تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی** نوشته است که از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است.

تفسیر ابوالفتوح تاکنون چهار بار به طبع رسیده است. بار اول در پنج مجلد به قطع رحلی. جلد اول و دوم به تصحیح محمد کاظم طباطبائی تبریزی منتشره به سال ۱۳۲۳ هجری. جلد سوم تا پنجم به تصحیح سید نصرالله تقوی و مقدمه (یا خاتمه الطبع) شادروان علامه قزوینی منتشره در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ شمسی. بار دوم به اهتمام شادروان مهدی الهی قمشه‌ای در ۱۰ جلد منتشره در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ شمسی (تجدید چاپ در سال‌های ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ شمسی). بار سوم با مقدمه و حواشی و تصحیح شادروان آیه الله ابوالحسن شعرانی، با تعیین عدد آیات و کشف الآیات، ترجمه لغات مشکله، اعراب کامل اشعار و ترجمه فارسی آنها، با همکاری علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۴۷ هجری شمسی، ۱۲ جلد همراه با یک فرهنگ لغات قرآن به نام **نثر طوبی**. بار چهارم تحت عنوان **روض الجنان و روح الجنان**، مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر مهدی ناصح، چاپ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. از این طبع و تصحیح جدید که بر مبنای چندین نسخه خطی کهن با کاربست روش تصحیح علمی با تنظیم انواع فهرس لازم تهیه می‌گردد، تاکنون مجلدات ۹ تا ۱۷ منتشر گردیده و تصحیح و طبع سایر مجلدات بیست گانه آن به تدریج ادامه دارد.



۷- تفسیر کبیر فخر رازی

تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب تألیف امام فخر رازی است. نام او محمد بن عمر بن حسین است. او در ماه رمضان سال ۵۴۴ یا به قولی ۵۴۳ هجری در ری به دنیا آمد. پدرش ضیاء الدین عمر خطیب ری بود، لذا فخر الدین را گاه در نسبت به پدرش ابن الخطیب می خوانند. او در نیشابور و بغداد و ری و مراغه به تحصیل پرداخت. او شاگرد کمال الدین سمنانی و مجد الدین جیلی بود، و استادان متعددی نداشت؛ بلکه شیوه خودآموزی را بیشتر می پسندید و به یاری هوش سرشار و ذهن وقادش، مطالعات عمیقی در کلام و فلسفه اسلامی داشت.

امام فخر، بحاث و اهل مناظره و خطیب بود. مناظرات او با معتزلیان در خوارزم معروف است. پس از خوارزم سفری به ماوراء النهر رفت و در شهرهای ماوراء النهر با علمای حنفی مناظراتی کرد که خوشبختانه شرح این مناظرات به قلم خود وی باقی مانده و به طبع رسیده است. او به ولایت غور، یعنی سرزمین میانه هرات و غزنه نیز سفر کرده است و با علمای آن جا که غالباً پیرو فرقه کرامیه (قائل به تجسیم) بودند بحث‌ها و مناظرات حادّی به عمل آورده است و حتّی بیماری او را در سال ۶۰۵ هجری در خوارزم بر اثر زهری دانسته‌اند که کرامیه در غذای او ریخته بودند. امام فخر از خوارزم به هرات بازگشت و بیماریش شدّت گرفت و سرانجام در عید فطر سال ۶۰۶ هجری درگذشت، و طبق وصیتش او را بدون تشریفات مفصل در هرات در دامنه کوهی نزدیک قریه مزدا خان به خاک سپردند. مزارش معروف و زیارتگاه مسلمانان است.

امام فخر در انواع علوم عقلی و نقلی استاد بود. به فارسی و عربی در کمال فصاحت بحث و مناظره می کرد یا کتاب و رساله می نوشت و به هردو زبان شعر می سرود. شخصیت جدلی و بحاث و نقّاد و موشکاف او باعث شده بود که به او لقب «امام المشکّکین» داده بودند.

آثار امام فخر بسیار است از جمله: شرح عیون الحکمة، المباحث المشرقیة،

شرح اشارات ابن سینا، لباب الإشارات، الأربعین فی اصول الدین، أسرار التنزیل در تفسیر قرآن، البراهین در علم کلام، لوامع البینات در شرح اسماء الله الحُسنى، محضل أفكار المتقدمین والمتأخرین، المحصول فی أصول الفقه و از همه مهمتر مفاتیح الغیب یا تفسیر کبیر.

چند سال پیش، یعنی سال ۱۴۰۶ هجری قمری برابر با هشتصدمین سالگرد وفات امام فخر بود و به همین مناسبت در ایران و جهان اسلام، کنگره‌ها و مجالسی برای تجلیل از مقام شامخ او تشکیل شد. در ایران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، سمینار چندروزه‌ای برای بزرگداشت او برگزار کرد و مرکز نشر دانشگاهی، چند اثر از او از جمله لوامع البینات و مناظرات او را تجدید چاپ کرد و شماره اول از دوره سوّم مجله معارف (فروردین تا تیرماه ۱۳۶۵) را به صورت ویژه‌نامه پرباری در باره امام فخر انتشار داد.

امام فخر که جامع علوم عقلی و نقلی است و در فلسفه و کلام و منطق و فقه و اصول فقه و ادب و لغت و زبان‌شناسی و علوم طبیعی و علم النفس و اخلاق، و حتی عرفان، پایگاه علمی رفیعی دارد؛ همه فضل و فرهنگ خود را در نگارش مفاتیح الغیب معروف به تفسیر کبیر به کار گرفته است. بارزترین جنبه تفسیر کبیر، جنبه کلامی آن است که در درجه اول در ذیل تفسیر هرآیه، یا استطراداً آراء و مقالات معتزله را نقل و نقد می‌کند؛ و در درجه دوّم به نقد و نقض و ارزیابی آراء سایر فرقه‌ها، به ویژه کرامیه اهتمام دارد. در انصاف علمی و ادب تحقیق او همین بس که آراء مخالفان، علی‌الخصوص معتزله را با تصریح به نام قائل آنها، و از آن مهمتر به دقت و امانت و شرح و بسط لازم نقل می‌کند؛ آنگاه محل نزاع را به روشنی تحریر و پس از نقل و ارزیابی اقوال، پاسخ خود را به شیوایی تقریر می‌کند. بعضی از اختصاصات تفسیر کبیر از این قرار است:

(۱) - تفصیل بسیار، گاه تا حدّ اطناب؛ و این از آن است که معارف گوناگونی را به هرمناسبت - و به عقیده منتقدان مخالف: بدون مناسبت - در ذیل هرآیه‌ای می‌آورد.

(۲) - در این تفسیر استطراد و بحث فرعی بسیار است. حاشیه‌روی‌های او در

زمینه همه معارف است، از فقه و فلسفه گرفته تا عرفان و علوم بلاغی و لغت و نحو و نظایر آنها.

(۳)- بیشتر مطالب این تفسیر جدلی و ردّیه‌وار است. نخستین و مهمترین حریفان او چنان که گفته شد، معتزله‌اند.

(۴)- با آن که نظرگاه مؤلف، عقلی-استدلالی است؛ ولی چنان نیست که این تفسیر از نقل احادیث خالی باشد. در این اثر احادیث نسبتاً کمی نقل می‌شود و آن هم به شیوه‌ای که در عصر امام فخر معمول شده بود، بدون ذکر سلسله اسناد.

(۵)- اهتمام بسیاری به بیان وجوه تناسب بین آیات و بین سوره‌ها دارد. احتمال دارد از این نظر تحت تأثیر یا پیرو شیخ ابوعلی طبرسی صاحب **مجمع البیان** بوده باشد.

(۶)- به نقل شواهد شعری، به قصد استشهاد لغوی یا نحوی یا بلاغی، اعتنای شایان دارد؛ و این امر در همه تفاسیر مهم و کثیر الحجم قرآن مجید، از تفسیر طبری به بعد شایع است.

(۷)- آراء و اقوالی را که نقل می‌کند، به نام گویندگان آنها تصریح می‌کند. استثنائی که در این مورد هست، زمخشری است که امام فخر از تفسیر او استفاده شایان و نقل فراوان کرده است، ولی موارد استفاده، بیش از موارد تصریح به اسم زمخشری است.

(۸)- عادت فخر رازی در تفسیر کبیر این است که پس از نقل و ارزیابی اقوال، نظر خویش را عرضه می‌دارد.

تفسیر کبیر بارها به طبع رسیده است. از جمله در فاصله سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۹ هجری در ۶ مجلد در بولاق چاپ شده، و در سال ۱۳۱۰ هجری در ۸ مجلد در قاهره، نیز در ۸ جلد در ۱۳۲۷ هجری در قاهره. یکی از بهترین چاپ‌های آن، تصحیح و طبع محمد محیی الدّین (قاهره، ۱۳۵۲ هجری) در ۳۲ جزء. مطبعة البهیة المصریة، این اثر همین طبع اخیر را بدون تاریخ، در ۱۶ مجلد کراراً تجدید چاپ کرده است، و همین چاپ چند مرتبه در ایران در سال‌های بعد از انقلاب در ۱۶ مجلد تجدید طبع یافته است.

۸- تفسیر بیضاوی

تفسیر بیضاوی یا **أنوار التنزیل و أسرار التأویل** تألیف قاضی عبدالله بن عمر بیضاوی از حکما و متکلمان و مفسران و فقهای برجسته ایران در عصر مغول است. در بیضای فارس به دنیا آمد. نام او در واقع منسوب به همین ناحیه است. چندی در شیراز و چندی در تبریز، منصب قضا و قاضی القضاتی داشته است. در اواخر قرن هفتم درگذشته است. بعضی منابع، تاریخ وفات او را ۶۸۵ و بعضی ۶۹۱ هجری یاد کرده‌اند. او در تبریز درگذشت و در قبرستان چرنداب مدفون است.

قاضی بیضاوی در زمینه اغلب علوم عقلی و نقلی تألیفاتی دارد. مهمترین آثار او عبارتند از: **طوالع الأنوار و مطالع الأنظار** در علم کلام، **منهاج الوصول** در علم اصول. مهمترین اثر او تفسیرش **أنوار التنزیل و أسرار التأویل** است که به اتفاق آراء اهل نظر، در میان تفاسیر کم حجم قرآن کریم، از همه محققانه‌تر است و از زمان تألیف، مدار درس و بحث قرار گرفته و علاوه بر آن که در شرق اسلامی جزو کتب درسی پرمراجعه حوزه‌های علمیه بوده، در غرب و جهان شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی نیز مورد توجه و بهترین مرجع اسلام‌شناسان است.

بیضاوی در مقدمه کوتاهی که بر تفسیرش نوشته است می‌گوید: «گرانمایه‌ترین و شریف‌ترین علوم، علم تفسیر است که رأس و رئیس همه علوم دینی و اساس قواعد شرع است و سزاوار نیست که کسی به آن دست یازد و به بحث در این مقام بپردازد، مگر آن که در اصول و فروع معارف دینی، ید طولی داشته باشد و در علم عربیت و فنون ادبیت سرآمد باشد. و من از دیرباز در دل داشتم که در این فن کتابی بنگارم که چکیده زلال اندیشه بزرگان صحابه و تابعین و سلف صالح باشد، مشتمل بر نکات ارزنده و لطایف و ظرایفی که خود و دیگران از افاضل متأخران و بزرگان محققان استنباط کرده‌ایم، و از چهره قراآت مربوط و منقول از امامان هشت‌گانه معروف و قرائت‌های شاذ و نادر منسوب به قراء معتبر نقاب برگیرد؛ اما کمبود بضاعت مرا از اقدام و نیل به این مرام بازمی‌داشت، تا در دلم افتاد

که توفیق و خیر از خداوند بطلبیم و آستین همت بالا بزنم و آرزوی دیرین را جامه عمل بپوشانم و در خاطرمد آمد که نام آن را پس از اتمام، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل** بگذارم».

حاجی خلیفه در **كشف الظنون** مقاله مفصلی درباره **أنوار التنزیل** دارد و بیش از چهل حاشیه و تعلیقه بر آن یاد کرده است و در آن میان، حاشیه محیی الدین محمد، معروف به شیخ زاده و قوجوی را پرفایده تر و آسان فهم تر از همه معرفی کرده است؛ و در باره تفسیر می نویسد: «تفسیری است عظیم الشأن و بی نیاز از معرفی. در این اثر آنچه را که مربوط به إعراب و معانی و بیان است، از **كشاف** زمخشری و آنچه را که مربوط به حکمت و کلام است از تفسیر کبیر فخر رازی و آنچه را مربوط به اشتقاق و غوامض حقایق و لطایف اشارات است، از تفسیر راغب اصفهانی گرد آورده و باز یافته ها و باریک اندیشی های خود را نیز بر آن افزوده است». بعضی ویژگی های تفسیر بیضاوی:

- (۱)- بسیار موجز است، و بدون حاشیه روی یا دورپروازی به تبیین معنای آیات می پردازد. بحث های زبانی و دستورزبانی اش هم کوتاه و پرمغز است.
- (۲)- متعرض مسائل کلامی هم می شود. نظرگاه بیضاوی، اشعری اعتدالی است. مباحث اعتزالی تفسیر **كشاف** را که منبع اساسی اوست یا حذف می کند، یا به کوتاهی طرح و سپس رد می کند.
- (۳)- به مباحث و مسائل فقهی نیز با احاطه و اشراف تام می پردازد. مکتب فقهی او مذهب شافعی است.
- (۴)- بیضاوی برای عقل و بحث های عقلی، بیش از سایر اشاعره ارزش قائل است، و از این نظر تابع و تحت تأثیر منبع دیگرش، یعنی **تفسیر کبیر** فخر رازی است.

- (۵)- به اختلاف قراآت و داوری در باره آنها نیز می پردازد.
- (۶)- با آن که تفسیر نقلی یا روایی نیست، یعنی به احادیث کمتر پرداخته است؛ ولی از اسرائیلیات خالی نیست.
- (۷)- در پایان هر سوره، احادیثی در فضل و فضیلت و ثواب قرائت آن دارد که

غالباً مقتبس از کشف یا تفسیر کبیر است. بعضی از محققان، این گونه احادیث را معتبر نمی‌دانند. ولی نظایر این گونه احادیث، در میان احادیث تفسیری و تفسیرهای شیعه بسیار است.

منابع: در ضمن مقاله، یاد شده است.

بهاء الدین خرّمشاهی

